

**جلسه صد و بیست و چهار
صورت مشروح مجلس
یوم یکشنبه نوزدهم برج
دلو ۱۳۰۴ مطابق چهاردهم
شهر رجب ۱۳۴۳**

مجلس یکساعت و نیم قبل از ظهر
به ریاست آقای مؤتمن الملک
تشکیل گردید
صورت مجلس یوم یکشنبه
شانزدهم دلورا آقای میرزا جواد
خان قرائت نمودند

رئیس - آقای تدین .
بنده راجع به دستور عرض

رئیس - آقای عماد السلطنه .
(اجازه)

عماد السلطنه - بنده هم قبل از دستور عرض دارم
رئیس - آقای حائری زاده .
(اجازه)

حائری زاده - قبل از دستور عرضی
دارم .

رئیس - نسبت به صورت جلسه گویا
اشکالی نیست .
(گفتند خیر)

رئیس - آقای سردار عشایر .
(اجازه)

سردار عشایر - بنده در دستور عرض
دارم .

رئیس - آقای تدین .
(اجازه)

تدین - در آخر جلسه گذشته بنده
پیش نهاد کردم خبر کمیسیون مبتکرات
راجع بتفسیر ماده شش قانون شانزدهم
جوزای هزار و سیصد و یک جزو دستور شود
چون همه کانی نبودمو کول با مرز شد .

حالا اگر آقایان موافقت بفرمایند
در درجه اول جزء دستور شود .

اشکالی هم ندارد .

رئیس - باید رأی گرفته شود .

آقایانی که این تقاضا را تصویب میکنند
قیام فرمایند .

(عده زیادی برخاستند)
رئیس - تصویب شد .

آقای عماد السلطنه .
(اجازه)

عماد السلطنه - اگر چه بنده خودم
جزء اشخاصی هستم که مخالف مذاکرات
قبل از دستور هستم و معتقد نیستم که بمذاکرات
متفرقه وقت مجلس را تلف کنم .

پریروز هم در این موضوع پیش نهادی
شد اگر هم رأی گرفته شده بود رأی می-
دادم .

ولی چون آقای ضیاء الواعظین در
جلسه پریروز فرمایشاتی فرمودند که يك
مقدارش را نسبت دادند ببنده و در اظهارات
بنده تردید فرمودند و فرمودند که بنده در

ضمن مدافعاتم از بودجه کل مملکتی عرض
کرده ام که مالیات اصناف نسبت به سابق
کمتر شده است و حال آنکه این طور نیست
و ضمنا هم فرمودند که من يك صورتی از
يكی از رؤساء مهم مالیه بدست آورده ام و
آن صورت را هم همانطور که آقایان استماع
کردند در این جا قرائت کردند .

اولا بنده بر میگردم به عرض سابق خودم
و باز هم تکرار میکنم که مالیات اصناف نسبت
به سابق کمتر شده است .

علت کم شدنش هم این است که يك
مقدار از اصناف از بین رفته اند باین جهت
از مالیات سابق کمتر شده است و آن اصنافی
که از بین رفته اند عبارتند از صنایع زری باف
چیت ساز ، قلمکار ساز ، صباغ ، دواتگر و
از این قبیل .

دولت هم از آنها مالیات نمیگیرد یعنی کسی
نیست که مالیات ازش بگیرند
پنا بر این کم شده است .

اما آن صورتی را آقا اینجا قرائت
فرمودند و نسبتش را دادند بیکي از رؤسای
مهم مالیه بنده متأسفم از اینکه عرض کنم
آن رئیس مهم مالیه اگر این صورت را
داده است کاملا از جریان امور مالیه بی اطلاع
بوده است چون در ضمن صورتیکه آقا
قرائت کردند مالیات ذبایح جزو مالیات
صنعتی قرائت کردند در صورتیکه در هیچ
جای دنیا ذبایح جزو مالیات صنعتی
نیست .

همچنین سوق الدواب را جزو مالیات
صنعتی حساب کردند و قرائت نمودند در
صورتیکه این مالیات هم جزء مالیات صنعتی
نیست .

مثلا اگر قصاب يك گوسفندی را
میکشد و بیکقران میدهد اینکمر بوطه مالیات
اصناف نیست .

این اضافه میشود بقسمت گوشتی که
بمردم میفروشند یا مثلا يك مالی را میفروشند
یکقران یا بیکقران میدهد این چه ربطی بمالیات
صنعتی دارد؟

دیگر اینکه آقا در ضمن فرمایشاتشان
فرمودند که بنده فرض کرده ام این مالیاتها
قانونیست و حال آن که قانونی نیست و کاملا
بر خلاف قانونست .

اگر چه پریروز شاهزاده شیخ الرئیس
فرمودند که مالیات اصناف کاملا قانونی است
و توضیحی هم در این خصوص دادند ولی
باز هم بنده ناچارم عرض کنم که مالیات اصناف
کاملا قانونی است و از تصویب مجلس هم
گذشته و اگر مراجعه بفرمایید بآن جمع و
خرجی که در قوی قبل هزار و سیصد و بیست
و پنج از تصویب مجلس گذشته است صحت
عرایض بنده معلوم میشود .

بکقسمت دیگر در آخر بیاناتشان
فرمودند که پیش نهادی تهیه شده است برای
الغای مالیاتهای صنعتی .

این را بنده درست نفهمیدم که نظر

آقا از الغاء مالیات های صنعتی چیست
اگر مقصود متجددالشکل کردن
مالیاتها است که الانهم کمیسیون قوانین
مالیه با موافقت نظر مسیون امریکائی
مشغول است که يك مالیاتهای متجددالشکلی
تهیه کند تا از این وضعیت فعلی که داریم
خلاص شویم و تمام اصناف بطور عادلانه و
از روی يك ترتیب صحیحی مالیات بدهند .

اما اگر مقصود آقا این است که بکلی
مالیات اصناف لغو شود این را بنده نمی فهمم
چرا و بچه جهت؟

همانطور که بنده در بگیری مالیات می
دهیم فلان دسته مخصوص هم که از نعمت امنیت
مملکت بهره مند میشوند موجب آزانی
را که در این سرمای سخت پاسبانی میکنند
باید بدهند .

چرا يك دسته بدهند و دسته دیگر
ندهند ؟

چرا اصناف مهم این مملکت نباید
مالیات بدهند؟

بچه دلیل ماین فلسفه را قائل بشویم؟
و بچه دلیل بگوئیم یکدسته مخصوص بدهند
و یکدسته ندهند؟
برای چه؟

مگر این که عرض کنم که مقصود از
تهیه پیش نهاد آقا همان اندازه اظهاراتی
است که در جلسه گذشته در مجلس فرمودند
و خیلی هم اصرار داشتند که فرمایشاتشان در
چرائد منتشر گردد .

والا ما نباید برای خوش آمدیاد آمدیک
دسته در مجلس اظهاراتی بکنیم .

ما باید هر چه را که میگوئیم ببینیم در
عمل چه میشود و با عمل تطبیق کنیم .

مثل این که يك پیش نهادی شده است
از طرف یکمده از آقایان که باید دو میلیون
و سیصد هزار تومان عشر کلیه عوائد مملکت
بمصرف معارف و صحتیه برسد .

بسیار خوب!
يك پیش نهاد دیگری هم تهیه شده
است که بطور تحقیقی نمیتوانم عرض کنم
چه مبلغ است ولی در هر حال مبلغ خطیری
از بودجه مملکت کاسته میشود که عوائد بلدی
هر شهری برای تأسیس بلدی در ولایات
تخصیص داده شود .

امروز پیش نهاد میشود که مالیات صنعتی
را هم لغو نمائیم .

خانوار نیست که رد کرده ایم .
نیم عشر اوقاف است که رد کرده ایم
خیلی خوب از آنطرف هم انتظار داریم
که تشکیلات مملکتی ما اقل مثل بهترین
نقاط ممالک دنیا باشد .

با کدام بودجه؟ با چه بودجه؟
از آنطرف هم اگر يك لایحه می آید
که يك مالیاتی در مملکت وضع شود بانام
قوا سعی میکنیم که از دستور خارج شود
مثل اینکه مکرر این کار را کرده ایم .

خیلی خوب .

شما اگر میخواهید يك قدم اصلاحی
بردارید بسم الله امروز یکی از آنروزها که
یکی از اصلاحاتی که ما از اول مشروطیت تا
حالا از روی آنرا داشتیم گذراندن قانون
ممیزی است .

امروز هم میآید بمجلس این قانون را
و بعجله بگذرانید بدهید بدست دولت اجرا
کند .

فردا هم قانون مالیات صنعتی میآید
بمجلس آنرا هم بگذرانید بعدیک ماده واحده
بگذرانید که کلیه مالیاتهای دیگری که در
مملکت هست و برخلاف قانونست بهر اسم
و رسمی ملغی و از درجه اعتبار ساقط است .

این پیش نهاد را هم بعدش بکنید
خیلی هم عادلانه است در عمل هم میشود يك
کاریش کرد .

وقتی اگر امروز مالیات صنعتی ملغی شود
فردا هم يك مالیات دیگری لغو شود پس-
فردا هم یکی دیگر، بجایش چه میگذازید؟
پس میخواهید چرخهای مملکتی با
چه چیز جریان پیدا کند؟

بهر حال بنده قصدم از این قسمت آخر
اظهار عقیده شخصی خودم بود ولی در
قسمت اول خواستم عرض کنم آنچه که
بنده در مدافعات و اظهارات خودم عرض
کرده ام کاملا مطابق قانون بوده است و
مالیات صنعتی هم آنهایی که ایشان فرمودند
نیست .

رئیس - آقای حائری زاده .
(اجازه)
بعضی از نمایندگان - وارد دستور
شویم .

حائری زاده - بنده مطلب مهمی
نداشتم فقط میخواستم عرض کنم چون
کمیسیون محاسبات مشغول رسیدگی
محاسبات سال گذشته اداره مباشرت شده و
یکی از اعضاء کمیسیون که آقای امیرحشمت
بودند استعفا داده اند خواستم استدعا کنم
شعبه اول را در موقع تنفس تشکیل بدهند
و بجای ایشان یک نفر دیگر را انتخاب فرمایند که
کمیسیون مشغول کارش بشود .

ضیاء العواظین - بنده خیلی متأسفم
که آقای عماد السلطنه مخبر محترم کمیسیون
بود چه هر چه تصور فرموده اند که يك قسمت
از عرایض پریروز بنده متوجه فرمایشات
ایشانست در صورتی که بنده نظری نداشتم
و نخواستم فرمایشات ایشانرا مورد انتقاد
قرار بدهم و راجع بآنها صحبت کنم .

يك قسمت از مذاکراتی که بنده عرض
کردم و گفته شد این طور نیست بنده از
روی دلیل و مدرك عرض کردم .
مدرك بنده هم که عرض کردم از یکی
از رؤسای مهم مالیه صورتی تحصیل کرده ام
رابطه جامع و مبسوط و مفصل آقای فهمیم-
الملک است که چاپ شده و خدمت همه
آقایانهم هست .

يك صورت جامعی است و معین کرده

سی شصت و سه
وقتی که این قانون از تصویب مجلس گذشت ممکن است مالکین بر عاریت بگویند که مابیت قسمت زیادی از سهم خود را باید بعنوان مالیات بدولت بدهیم رعیت هم در جواب میگوید که معامله بین من و تو وقتی شده است که این قانون نبوده و حالا هم باید همینطور باشد آنوقت نتیجه انقلابی در این مملکت مخصوصاً در صفحه جنوب تولید خواهد شد و این اشکالاتی که عرض میکنم بواسطه تفاوتهای ثبتی است که در معامله بین مالک و رعیت در تمام نقاط ایران موجود است و آقایانی که در دوره چهارم تشریف داشتند و حالا هم تشریف دارند میدانند که غالباً بنده از حرف زدن خودداری کرده ام و اگر حالا اطانه زبانی کرده باشم برای این است که از مشکلات جلوگیری بشود زیرا اگر بنا شود که برای هر قطعه از مملکت ما بخواهیم یک مالیاتی وضع کنیم مثلاً از یک قسمت صدی یا نود و از قسمت دیگر صدی سی و همینطور بطور تصاعد بالا برویم و از یک نقطه دیگری صدی شصت و پنج بگیرند ممکن است بالاخره تولید انقلابی نمایم و بعقیده بنده علاج قاطعی که هیچ محظوری بر نفوذ این است که صدی ده از تمام عایدات مالک بگیرند و من یک چیز دیگر شنیده ام و چون ممکن است از طرف وزارت مالیه به آقای مخبر توضیحاتی داده شده باشد لذا این مطلبی را که شنیده ام تذکر عرض می کنم و آن این است که در کمیسیون مالیه بعضی گفته اند اختلاف بین رعیت و مالک علتش این است که در فلان صفحه آن مالکی که کمتر حق میگردد در مقابل وجه و کسک و روغن از رعیت میگردد است که معین نکرده است دولت بنده این مطلب را که شنیدم نتوانستم از خنده خود داری کنم این اشتباه است بنده از صفحه غرب کاملاً اطلاع دارم ممکن است این ترتیب در بعضی دهات باشد و یک مالک یک چارک روغن میگردد که سه چهارم قران قیمت دارد یا دو تا جوچه بگیرد یکی نرزه شاهی میشود سی شاهی ولی کسک را بنده شنیده ام بهر حال اگر بعضی جاها این ترتیب باشد وقتی که حساب کنیم می بینیم تمام اینها از پنجقران یا یک تومان یا دو تومان بیشتر نمیشود آیا انصاف است که در مقابل آن یک چارک روغن یا فلان قدر کسک که یک تومان قیمت آنها بیشتر نمیشود مابیت شصت و پنج اراپادات مالک مالیات بگیریم

یکی دیگر از نواقص این لایحه این است و در آن قسمتی که راجع باحشام و افغان است بنده میخواستم از آقای مخبر استعفا کنم آنرا درست توضیح بدهند و در دوره چهارم هم نتوانستیم آنرا حل کنیم در این جا مینویسد مالیات افغان و احشام پنججعال بینجسال میزنی میشود البته اگر هر سال میزنی شود نه برای دولت صرف میکند و نه برای مالیات بدهما (صحیح است) ولی بنده نمی دانم که طرز اجرای آن چطور است مثلاً فرض بفرمائید امروز رفتم توی یک دهکده و دیدیم از یک خانه بیست تا گوسفند بیرون آمد و از یک خانه سی تا و یکی دیگر بیست و پنج گوسفند داشت و گفتم پنج تایی آن معاف و برای بیست عدد دیگر باید در سال دو تومان مالیات بدهی وزارت مالیه هم مکلف است که تا پنجسال هر سال دو تومان از او مطالبه کنند و حال آنکه شاید آن رعیت گوسفندهای خودش را بعد از یک ماه فروخته باشد یا این سالی دو تومان راتا چهار سال دیگر هم از او مطالبه خواهند کرد یا نه؟ من که نفهمیدم و در موقع خودش عرض بخواهم کرد و حالا برای اینکه اطلاع لسان نکرده باشم بیشتر از این عرض نمیکنم. یکی دیگر از نواقص این قانون این است که در اینجا حکمت رامین نکرده است و اختیار را فقط به معین داده است در صورتیکه در قوانین سابق این قسمت را پیش بینی میکردند که اگر اختلاف پیدا شد حکمت چطور باشد وجه اشخاصی باشند ولی در این قانون هیچ هم چیزی نیست. یکی دیگر از نواقص این قانون این است که معین نکرده است دولت جنس میگردد یا اینکه محصول صنعتی و غیره را تبدیل بنقد میکند اگر مبدل بنقد میکند باید در اینجا قبضه شود برای اینکه اگر جنس بگیرد آنوقت دولت باید بقال شود و هندوانه و لوبیا و ماش و سایر محصولات را جمع کند و این برای دولت اسباب اشکالات دیگر اینکه در اینجا هیچ معین نگرداند که مأمورین وصول در چه موقع سال این مالیات ها را مطالبه میکنند در صورتی که در تمام دنیا معمول است حتی در جزو قانون مینویسند که که در هر درجه تاریخ در کجا تحویل دولت میدهند و چه قسم تحویل خواهند داد در خانه عرض میکنم نظر بنده این بود که این مشکلات را بهر ض آفتابان برسانم *

این قانون را که بعقیده بنده یکی از قوانین مهم است و با اصطلاح آقای کارزونی حیاتی و مهمانی است باید باخون سردی تلقی میکنند و یک قدری در اطراف آن مطالعه و قانونی را که میخواهند بگذارند یک ترتیبی باشد که همه اشخاص این مالیات را بتساوی بپردازند و الا اگر باین ترتیب بگذرد باید در اغلب نقاط مملکت مالیات را زور بگیرند و البته آتم نه برای دولت صرف میکند نه برای مالکین و عجاناً چون کلیات لایحه مطرح است پیش از این وقت آقایان را تلف نمیکند و در هر یک از مواد اگر عراضی داشته باشم عرض خواهم کرد. مخبر - بنده میخواهم قسمت آخر بیانات نماینده محترم را اول تشریح خود قرار بدهم و آن این بود که باید بایک خونسردی نظر حلی بمسئله نگاه کرد و رسمی کرد یک راه حلی برای رتب مالیات پیدا کرد و باید مطالبه کرد و گمان میکنم اعتراضی که بر کمیسیون قوانین مالیه میشد این نبود که جلسات خود را تشکیل نمیدهند یا کثرت پیدا نمیکنند یا حاضر نمیشوند یا اینکه در این لایحه خیر کمیسیون قوانین مالیه در این دوره ۸ ماه هفته سه جلسه بلکه بیشتر برای همین چند ماده که الان تقدیم شده وقت صرف کرده و بالاخره اگر فشار و اصرار از طرف خود آقایان راجع باین قانون نبود ممکن بود که باز چند ماه دیگر کمسیون در این باب مطالعه میکرد ولی چون آقایان اصرار زیادی داشتند باینکه این قانون زودتر ببعیسی بیاید باین جهت راپرت تهیه و تقدیم شد یا این نظر که آقایان هم در مجلس نظریات خودشان را اظهار نمایند هر کس دلائلی بر له یا علیه این لایحه دارد آنها را پیشنهاد کند البته بازم کمیسیون هست و پیشنهادات به آنجا می آید و مطالعه میشود شور ثانی هم هست و بالاخره مسئله حل میشود تصور میکنم آقایان تصدیق داشته باشند که کمیسیون قوانین مالیه با عراضی که دارد و خود آقایان انتخاب کرده اند اشخاص مالک و غیر مالک هر دو در آنجا هستند نظر خاصی بیک طرفی ندارند باین جهت کمیسیون نخواستند است یک قانونی بگذارند که بضرر مالکین باشد یا اینکه قانونی بگذارند که رعیت زیر پا برود و تمام اشکال کار راجع باین تکه است که عرض میکنم و تمام وقت کمیسیون هم در آن چند ماه تقریباً برای ماده اول صرف شده است. در اینجا دواصل را میشود اتخاذ کرد یکی اینکه دولت بمالک و رعیت بگوید اول من بیستم شما چطور محصول را با هم تقسیم

میکنید بد سهم مرا بدهید. یک اصل دیگر این است که بگویا من کار ندارم که شما چطور با هم معامله می کنید یا کدامیک نسبت بد دیگری زور میگویند. من در این کار مداخله نمیکند فقط از این محصولی که این جا جمع شده از این کبه که روی زمین است من میخواهم یک مداری برای اینکه بتوانم امور مملکتی را اداره کنم سهم بردارم و این فکری که نماینده محترم اظهار کردند فکری بود که قبلاً در مجلس صحبت شده بود و نمایندگان هم مستعجز شده بودند و یک مدهم طرفدار این فکر بودند و در کمیسیون هم در این خصوص خیلی مذاکره شد که این مالیات را از سهم مالک بگیریم ولی بیک اشکالاتی برخورداریم و حالا بنده بطور خلاصه آن اشکالات را بهر ض آفتابان میرسانم بنده البته آقایان میفرمایند و بالاخره نظر اکثریت تعیین میکنند. که تکلیف چیست بهمان ترتیبی آقای وکیل الملک فرمودند در هر نقطه از این مملکت ترتیب معامله و تقسیم محصول بین ارباب و رعیت بیک شکل خاصی است و بقدری این ترتیب مختلف است که اگر بخواهیم در جزئیات آن داخل بشویم بنده نمیدانم آن وسائلی که شما در هر ملک باید در دست بگیرید و به آن وسیله نتیجه برسید و به بنده اینجا مالک و رعیت چطور با هم تقسیم میکنند و آن مخارجی که آن وقت برای تحقیقات و اختلافات باید بشود آیا این مالیات آن مخارج را تکافو خواهد کرد یا خیر؟ هم نظر که آقای وکیل الملک فرمودند این ترتیب در هر نقطه مملکت بیک شکل است. و هر گاه دولت بخواهد تعیین سهم مالکین را بکند علاوه بر اشکالات زیادی که دارد در باب مخارج هم یک اشکالات جدیدی پیش می آید از قبیل خرج بنائنی و قنائی و امثال آن که در هر دهی و هر مالکی یک اظهاراتی خواهد کرد و شما اگر کردی آن وقت هم برای مالک اسباب زحمت میشود و هم برای دولت. مطلب دیگر که اسباب اشکال بود این که در یک قسمت از مملکت مالک مالیات نمیداد و رعیت مالیات میداده است و حالا این مالیاتی را که تا بحال رعیت میداده امروز باید مالک بدهد فرض بفرمائید در یک نقطه معمول است که دو تا رعیت دو تا مالک ببرد... (همه نمایندگان) (پس از چند ثانیه تأمل) بنده تأمل کردم تا تمام اشکالات خصوصی آقایان تمام شود در بعضی جاها قرار گذاشته اند که دو سهم رعیت ببرد و دو سهم مالک

و اگر شما امروز بخواهید بگویند که از سهم مالک ما مالیات بگیریم آن وقت ملاحظه بفرمائید که ترتیب مالیات دولت چطور میشود. در نقاط زیادی از مملکت که بنده این جا یادداشت کرده ام مالیات را رعیت میدادند. مثلاً الان چشم بنده در این صورت بگردانم افتاد و حال آنکه هیچ مقصودی نداشتیم در گردانم علی الظاهر مالیات را مالک میدادند. ولی در باطن علاوه بر تقسیم محصول رسومات غریبی هم از رعیت میگرفتند در صورتیکه از برای رسومات هم مالیات نقدی را میپرداختند. مثلاً در کاشان نصف مالیات با مالک و نصف با رعیت است. بعضی از نمایندگان - اینطور نیست. مخبر - بنده اطلاعات خودم را عرض میکنم. در نسخه مالیات جنسی وجود ندارد مالیات نقدی را هم رعیت میدادند. امیر احتشام - اینطور نیست. مخبر - اطلاعات بنده بایک اطمنان سعی است و هیچ یک از آقایان نمیتوانند مخالفت کنند برای اینکه از محلی کسب اطلاع کرده ام که معطش هستم و هر کدام آقایان میخواهند بگویند فلان نقطه رد نیست یا سستی با قسم و سند این را میکنند. سه باسند اظهار میکنم که در گروس بیات نقدی و جنسی هر دو بعهده رعیت تصدیق کنند البته وقتی اکثریت مجلس این نظر را معلوم کرد کمیسیون میزد و در این خصوص فکر می کنند مطالعه می کند. دولت هم البته باید یک کمیسیون فلاتی راجع باین تقسیمات معین کند که در هر جا رعیت با مالک باید چه ترتیب رفتار کند. ولی اگر می خواهید که دولت باین امور کاری نداشته باشد (مثل اینکه تا امروز کار نداشته) و وقتی هم که کار نداشته نتیجه چه میشود؟ نتیجه این بوده که در یکجا بواسطه کمی رعیت مالک مجبور بوده است بیشتر حرف شنوی از رعیت بکند یا بواسطه ضعف مالک و زور رعیت یک ترتیبی قرار داده اند که سهم رعیت بدنیت و یک جای بی بیستم و بر سهم مالک مالیات میدادند و برای این که رفع هراسگالی شود داخل در آن سهم بندی بین مالک و رعیت نشویم. بهترین ترتیب این است که آنچه مسلم است و بدون زحمت میزانش را میشود فهمید آن محصولی است که در وسط است و دولت از آن محصول یک قسمتی را بخود

تخصیص میدهند. بعد با آقایان میگویند شما خودتان میدانید بهتر ترتیبی میخواهید بدون این که من مداخله کرده باشم با هم معامله کنیم آیا شما که امروز میخواهید یک خانه را بسازید یا یک جنس را بخرید دولت از شما مالیات نمیگیرد؟ خیر، میگیرد بواسطه آن آجری را که از کوره بز خانه میخرند البته دولت از آن آجریک مالیاتی گرفته است. از جنسی که میخرید بواسطه کمرک مالیات میگیرند آیا مداخله میکند که شما جنس را از چه قرار میخرید؟ یا مزد عمله را چقدر میدهید؟ حالا اینجا دو نظر است: یکی اینکه دولت باید مداخله کند در تقسیم کبین رعیت و مالک می شود به بیند که مالک با رعیت چطور رفتار میکنند و از چه قرار مزد می دهد و بگوید من این میزان مزد را می خواهم در تحت نظر خودم بگیرم بترتیبی که ظلم نشود. حالیه که مخصوصاً در مملکت یک اشخاص و مالکینی هستند که در مواقع میخواهند رعیت خودشان را حفظ کنند. نظر کمیسیون هم این بود که برای حفظ رعیت و برای اینکه این رعیت بیچاره زیر دست و پا برهنه از بین نرود دولت می گویند من که دولت هستم برای اینکه به بینم بکسی ظلمی نشود و اتفاقاً اگر یک مالکین باشند که برایای خود ظلمی میکنند من مداخله می کنم که به بینم از چه قرار با هم رفتار میکنند. اگر این قسمت را مجلس می خواهد تصدیق کنند البته وقتی اکثریت مجلس این نظر را معلوم کرد کمیسیون میزد و در این خصوص فکر می کنند مطالعه می کند. دولت هم البته باید یک کمیسیون فلاتی راجع باین تقسیمات معین کند که در هر جا رعیت با مالک باید چه ترتیب رفتار کند. ولی اگر می خواهید که دولت باین امور کاری نداشته باشد (مثل اینکه تا امروز کار نداشته) و وقتی هم که کار نداشته نتیجه چه میشود؟ نتیجه این بوده که در یکجا بواسطه کمی رعیت مالک مجبور بوده است بیشتر حرف شنوی از رعیت بکند یا بواسطه ضعف مالک و زور رعیت یک ترتیبی قرار داده اند که سهم رعیت بدنیت و یک جای بی بیستم و بر سهم مالک مالیات میدادند و برای این که رفع هراسگالی شود داخل در آن سهم بندی بین مالک و رعیت نشویم. بهترین ترتیب این است که آنچه مسلم است و بدون زحمت میزانش را میشود فهمید آن محصولی است که در وسط است و دولت از آن محصول یک قسمتی را بخود

داخل شوید بسیار خوب باید دید که آیا این صلاح است یا نه؟ البته یک دسته که اکثریت این مملکت را تشکیل می دهند کارشان زحمت است و با زحمت باید زندگی گانی کنند. بالاخره بایک وضعیتی که بنده نمی خواهم شرح بدهم شاید تصور شود که مقصود غرضی در بین باشد و یک کله هم که می گویند عوام فریبی است (اگر کسی بگوید رعیت خیلی بدبخت است یا برهنه است. نان ندارد طبیب ندارد) اینها را کنار می گذاریم. دست غیب - عیبی هم ندارد بفرمائید. داور - ضرورتی هم ندارد. چون آقایان همه میدانند و چون امروز بنده می بینم که مالکین دارند از رعایا دلسوزی میکنند و طرفداری میکنند دیگر لازم نیست که بنده از آنها دفاع کنم. ولی اگر تمام این صحبتها از برای این است که رعایا چیزی تحمل نشود چرا سهم خودتان را کمتر کنید؟ دولت میگوید از این صد خرواری که چهار خروار و نیم را من میگیرم حالا شما اگر می بینید رعیت آن بدبخت است و سی چهل من وری سهم او کشیده بشود این سی چهل من را هم شما روی چهار خروار خودتان بکشید و از رعیت نگیرید هیچ انقلابی نخواهد شد. اگر این طور نیست و این دلسوزی ها برای منفعت خودتان است چرا این را صریح و روشن نمیگویند؟ کم من که مالک هستم و اکثریت هم دارم و موافق هم دارم میخواهم حال بنده خیال میکنم یک قسمت را که همه درش موافق هستیم و آن این است که اگر یک قانون میزنی باشد بهتر از این است که هیچ نباشد. بعضی از نمایندگان - صحیح است. داور - البته صحیح است زیرا پس از مدت ها تجربه شده در دوره گذشته از اول دوره تا آخرش یک قانونی می آمد و می رفت و بالاخره حالا به این صورت در آمده است که ملاحظه میفرمائید. ولی یک مواد دیگری هم دارد که خوبست و البته آقای وکیل الملک هم پس از اینکه بکفایت مذاکرات رای داده شد می توانند نظریات و ایرادات خود را پیشنهاد بفرمایند و البته پیشنهادات میروند بکمیسیون و باز در آنجا مذاکره می شود و اگر می خواهید نتیجه بگیرید و زودتر بمقصد برسیم بعقیده بنده در کلیات زیاد مذاکره نکنیم. بنابراین اگر آقایان لطف بفرمایند نه نسبت به بنده برای اینکه بنده حاضر هر وقت مطالبی از طرف آقایان اظهار شد

جواب بگویم از شرق و غرب و غیره هم صحبت کنم. ولی برای اینکه کار بیش برود چون همه مقصود گذشتن کار است. پس بعقیده بنده بهتر این است در کلیات بیش از این صحبت نکنیم و داخل در مواد شویم و مشکلات این مواد هم همان مادامول است که در آن ماده یک نظر حلی و طرفدار سلامت و حقانیتی نگاه کنیم نه اینکه به اسم حفظ منافع رعیت یک فرمایشاتی را بکنند که بالاخر بنده که مخبر و معبودم که ناچار شوم خود را معرفی کنم بصدیت با رعیت و آنوقت بگویم خیر اینطور نیست و این حرفها برای حفظ منافع خودتان است و برای رعیت نیست چون اگر رفیر از این بکنیم تمام صحبتی که در اینجا میشود از مالک و رعیت خواهد بود و هی باید در اینجا گفته شود بیچاره رعایا بنده بیایم بگویم بیچاره رعایا هر طور میشود بشوند یا بالاخره بگویم این بیشتر از نقطه نظر ملاکین است پس لازم نیست که ما رعایای بیچاره را در اینجا داخل کنیم و از طرفی هم نباید خیال کنیم که اگر کسی مالک شد این یک گناهکار و مقصر است و باید گردنش را زد. خیر اگر یک مردمی نباشند که اگر در یکسال که محصول در مملکت نیست همان رعایای بیچاره را نگاهداری کنند که انقلابی نخواهد شد. بلی اگر یک عده شان می آیند شهر و گدائی میکنند یک عده دیگری هم هستند که مالک از آنها نگاهداری میکند و اگر واقف مالکین نباشد که از اینها نگاهداری کنیم کی نگاهداری خواهد کرد؟ مؤسسات بلدی که نداریم مؤسسات خیریه که نداریم و بالاخره باید همان مالک نگاهداری کند پس بایک نظر بیطرفانه با سستی این موضوع حل کرد. نباید به اسم رعیت آمد و کاری کرد که مالیات دولت زمین بخورد و اینکه نظر بعضی نسبت بمالک (کالبته نسبت) باشد که بخود آنها و رعیت هر دو صدمه بخورد و بالاخره با یک طرز بی طرفانه وارد در مواد شویم و در ماده اول اگر آقایان نظریاتی دارند و ایراداتی می بینند یک پیشنهادی بکنند بشرط اینکه تمام صحبت و اعتراض نباشد و راجع به بعضی قسمتهای دیگر هم بهر ض میرسانم. ولی راجع به اینکه از سهم ارباب بگیرند اشکالاتش بیشتر است بدلائلی که عرض شد راجع به اوادی هم که فرمودند بعضی نواقص دارد و وجهی بنده عجاناً عرض نمیکنم چون مقصود بنده این است که نظراً اکثریت مجلس را که بیشتر قانون میزنی باشد بدام و میل دارم مذاکرات در کلیات راه چرخ زودتر کنار بگذارم زیرا تمام اشکالات در ضمن